

♣ مسیحا در کتب عهد عتیق ♣

سرورمان عیسی مسیح در متون عهد جدید شخصیت اصلی کتاب مقدس بوده و همه چیز حول محور اوست. کلمات آغازین در شرح نخستین انجیل، توسط متی، می تواند در مورد کل عهد جدید به کار رود. با نظری به کتاب انجیل متی می توان دریافت که این کتاب با این آیه آغاز می شود:

"کتاب تاریخچه عیسی مسیح...". (متی باب 1 آیه 1).

اناجیل چهارگانه با شرح موعظه های شاگردان عیسی مسیح و نامه هایی که در قرن اول پس از میلاد به ایمانداران به مسیح در سراسر جهان روم نوشته شده اند، دنبال شده است. اما اطلاعات در مورد عیسی مسیح به عهد جدید محدود نمی شود. انسان هایی که قبل از نوشته شدن کتابهای عهد جدید زندگی می کردند، آمدن او را پیش بینی می کردند: "مردم مشتاقانه در انتظار بودند و با خود می اندیشیدند که آیا ممکن است یحیی همان مسیح باشد؟" (لوقا باب 3 آیه 15)

● یک هولوگرام یا نهان نگار خدایی :

(نهان نگار یا هولوگرام، مانند تصویر نامریی در اسکناس است که نمی توان آن را به شکل قلبی ساخت.) جمله ساده فوق یک معجزه را در خود نهان دارد. بله، یک معجزه! چیزی که فراتر از دستاوردهای بشریست. در سراسر عهد عتیق، در هر صفحه، یک نهان نگار خدایی وجود دارد که از پیش ماهیت مسیح آینده اسرائیل را آشکار می کند، این رویداد جز معجزه چه چیز دیگری می تواند باشد؟ عهد عتیق ممکن است به نظر برسد که فقط پیام خدا به قوم یهود و گزارشی از تاریخ آنها باشد، اما چیزی فراتر از اینهاست. چیزی وجود دارد که بخشی از بافت عهد عتیق است و نمی توان آن را بدون از بین بردن کل کتاب حذف کرد. به بیان ساده، واقعیت این است که ما

تاریخ زندگی عیسی را که قرن ها قبل از تولد او نوشته شده است را در اینجا ملاحظه می کنیم. به عبارت دیگر، شما می توانید در عهد عتیق همه چیز را در مورد عیسی مسیح بخوانید. بسی مایه شوربختیست که از آغاز تاریخ بشریت این همه اطلاعات در مورد عیسی مسیح که با الهامات خداوندی بر پیامبران خادمش نازل شده است، وجود داشته ولی نادیده گرفته شده است. برای خود عیسی، این متون مقدس دلیل و هدف از بدنیا آمدن او، کاری را که قرار بود انجام دهد و جلالی که برای او و همه کسانی که از طریق ایمان به او به سوی خدا می آیند، را توضیح داده است. بدون در نظر گرفتن اطلاعات ارائه شده در مورد او در متون عهد عتیق، درک ما از عیسی مسیح درکی ناقص خواهد بود.

● مسیحا :

کلمه مسیحا بخشی از گفتار روزمره است. در پندار امروزی در مورد انسانی استفاده می شود که دارای شخصیتی قدرتمند بوده و حامل پیامی حیاتی بوده که با مرگش تأثیرش کاهش یافته و بتدریج از صحنه حذف می گردد! اینگونه کاربرد تحریفی صرف محسوب گردیده و تفسیر ضعیفی از واقعیت کلمه می باشد. این کلمه یک کلمه عبری است که دقیقاً از عهد عتیق گرفته شده است. مسیح به معنای "مسح شده" می باشد که در یونانی معادل واژه "کریستوس" و در زبان انگلیسی معادل واژه "کرایست" (Christ) می باشد. در عهد عتیق، مسیح یک شخصیت تاریخی نمی باشد. این کلمه مخفف موعود، پادشاه آینده، کسی بود که در آیات 25 تا 27 باب 21 از کتاب حزقیال او را اینگونه معرفی می کند: "... کسی که پادشاهی حق اوست...". مسیح بزرگترین ناجی بود که یهودیان ایماندار در آرزوی آمدن او بودند. آنها و برخی از نزدیکانشان در مورد "زمانی که مسیح می آید" صحبت کرده اند. یکی از اولین شاگردان،

پس از اینکه با عیسی مسیح ملاقات کرده بود، به یکی از دوستانش می گوید: "ما مسیح را یافتیم." و یوحنا که این واقعه را بیان کرده بود، در آیه 41 از باب 1 کتاب انجیل خود آن را به "کرایست" (Christ) به معنی "مسیح" تعبیر کرده است. دوران هیجان انگیزی بود. یهودیان راستین به این امید دل بسته بودند تاحتی الامکان نظری اجمالی به مسیح داشته باشند و او را در زمان خود درک کنند. آنها دائماً مراقب بودند و آرزوی روز ظهور او را داشتند. هسته تمام امیدهای یهود مسیح بود، عیسی یا همان مسیح جوهره اصلی وعده های بزرگ خداوند بود که در عهد عتیق آمده است. •
شواهد و مدارک:

عهد عتیق، عیسی را قبل از تولد توصیف می کند. هیچ کس جز خدا نمی توانست این همه چیز را در مورد عیسی با چنین جزئیاتی پیشگویی کند. خود یهودیان بسیاری از این متون مقدس را به عنوان پیشگویی مسیح معرفی کرده بودند. تاپیش از آمدن عیسی مسیح این پیش گویی ها برای مردم روشن و آشکار نبودند. پس از آن برای همه روشن و قابل فهم بود. برخی از آنها آنقدر شگفت انگیز هستند که ممکن است احساس کنیم این اتفاقات تنها می توان پس از وقوع نوشته شده باشند!

با این حال، به یقین و بدون هیچگونه شبهه ای شواهد محکمی در دست است مبنی بر اینکه که این مطالب قرن ها قبل نوشته شده اند. اجازه دهید به صراحت بیان کنم که: تولد، زندگی، رسالت، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح ناصری در متون مقدس یهودی قدیمی "عهد عتیق" به تفصیل آمده است، و کنیسه های یهودیان در داخل و خارج از کشور با این جزئیات کاملاً آشنا بوده و آنان را مطالعه کرده و می کنند و تا به امروز نیز بخوبی حفظ شده اند. کتیبه هایی که در سال 1947 در بحرالमित کشف شده اند به اذعان همه محققان تاریخ برخی از این کتیبه ها به بیش از 200 سال قبل از میلاد عیسی مسیح مربوط می شود.

یکی از کتیبه‌ها تقریباً حاوی تمامی کتاب اشعیا نبی است که دقیقاً در برگیرنده همان پیشگویی‌هایی است که در کتاب مقدس آمده و نسخه انگلیسی آن امروزه در دسترس همه ما می‌باشد که ترجمه آن به فارسی نیز در دسترس فارسی‌زبانان است. این موضوع در مورد ترجمه‌های یونانی عهد عتیق نیز صدق می‌کند. آنها نیز دو یا سه قرن قبل از میلاد مسیح نوشته شده‌اند و با نسخه‌های خطی مختلفی که اکنون در موزه‌های نقاط مختلف جهان وجود دارد، در دسترس ما قرار دارند. بر این اساس در می‌یابیم که مردم با این پیشگویی‌ها به زبان عبری و یونانی مدت‌ها قبل از آمدن عیسی مسیح آشنا بوده‌اند. بنابراین، اگر بگوییم این پیشگویی‌ها پس از تولد عیسی نوشته شده‌اند، با عقل سلیم و با این حقایق بی‌چون و چرا جور در نمی‌آیند.

در هر صورت، باید به خاطر داشته باشیم که قوم یهود مسیحی نبوده، و آنها هرگز اجازه نمی‌دادند کتاب مقدسشان "عهد عتیق" توسط مسیحیان دستکاری شود و همیشه با وسواس آن را از تحریف شدن حفظ می‌کردند، پس این گفته که مسیحیان بعد از این پیشگویی‌ها را اضافه کرده‌اند جایگاهی برای بیان ندارد. تلاش‌های به عمل آمده برای بهانه‌جویی و توجیه نمودن مبنی بر اینکه پیشگویی‌ها در تاریخ بعدی اضافه شده‌اند، همگی خود مؤید به حق بودن پیشگویی‌ها و اعتراف به درستی آنان است. تنها کتاب مقدسی که در دسترس عیسی بود، کتاب مقدسی بود که ما به عنوان عهد عتیق می‌شناسیم. ژوزفوس، مورخ یهودی قرن اول پس از میلاد، کتاب‌های موجود در کتاب مقدس یهودیان در زمان خود را فهرست می‌کند و دقیقاً همان کتاب‌هایی است که ما در عهد عتیق داریم. شکی نیست که عهد عتیق آنطور که ما می‌دانیم مربوط به زمان عیسی مسیح است.

● آنچه عیسی گفت:

عیسی هنگامی که پس از برخاستن از مردگان با رسولان صحبت کرد، از پیشگویی های عهد عتیق به عنوان شواهدی قوی استفاده کرد. این همان چیزی است که او گفت: "این همان است که وقتی با شما بودم، می گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر در باره من نوشته شده است، باید به حقیقت بپیوندد. سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتاب مقدس را درک کنند." (لوقا باب 24 آیات 44 و 45) پیش از این، در همین باب 24 در آیه 27 می خوانیم: "سپس از موسی و همه انبیا آغاز کردو آنچه را در تمامی کتب مقدس در باره او گفته شده بود، برای آنان توضیح داد."

اینها کلمات مهم و قابل توجهی هستند. عیسی مسیح توجه شاگردان خود را به سه بخش تشکیل دهنده کتب عهد عتیق یعنی کتب موسی، انبیا و مزامیر معطوف کرد. او گفت که در آن متون مقدس چیزهایی در مورد خودش وجود دارد که همگی در طول زندگی خودش محقق می شود. عیسی مسیح در توصیف برخی از این پیشگویی ها گفت: "موسی درباره من نوشته است." (یوحنا باب 5 آیه 46) در حالی که موسی حدود هزار و پانصد سال قبل از عیسی زندگی می کرد!

پس از رستاخیز، عیسی مسیح به شاگردان خود دستور داد که به عنوان شاهدان او بیرون بروند تا انجیل را در سرتاسر جهان موعظه کنند. به عنوان بخشی از موعظه انجیل، آنها به همان پیشگویی های مسیحایی در عهد عتیق (عهد قدیم) که همان پیشگویی های عهد عتیق در کنیسه های سرتاسر منطقه مدیترانه استفاده می شد یعنی داستان زندگی عیسی مسیح که قبل از وقوع آن نوشته شده بود، استناد می کردند!

● چه نوع پیشگویی؟

کتاب مقدس شرحی از رستگاری است، که چگونه خدا مردم را از گناه و از مرگ نجات می دهد. کتاب مقدس با گزارشی از خلقت در باغ عدن و چگونگی بوجود آمدن گناه و مرگ در جهان آغاز می شود. کتاب مقدس با شرح اوج نقشه شکوهمند خدا، در آینده، با این جملات به پایان می رسد:

"و از تخت، صدای بلندی شنیدم که گفت: اینک، مسکن خدا با آدمیان است، و او با آنان ساکن خواهد شد، و ایشان قوم او خواهند بود، و خود خدا با ایشان خواهد بود و خدای ایشان خواهد بود. او هر اشکی را از چشمان آنان پاک خواهد کرد. و دیگر مرگ نخواهد بود؛ و ماتم و شیون و درد وجود نخواهد داشت، زیرا چیزهای اول سپری شد." (مکاشفه باب 2 آیات 3 و 4)

عیسی مسیح پلی است بین باغ عدن و وعده موعود خداوند، چه پایان شکوهمندی! خداوند به وسیله او آن رسالت رحمت و رستگاری خود را به انجام می رساند. پیشگویی های عهد عتیق در مورد عیسی مسیح بخشی از نقشه با شکوه خدا برای رستگاری بشر است. پیشگویی ها، مکاشفه هایی بودند که نشان می داد خدا چگونه اراده نجات خود را عملی می کند. اجازه دهید تا مراحل این طرح بزرگ را که مدتها قبل از تولد عیسی مسیح در نقشه خدا بوده است را دنبال کنیم.

● عیسی مسیح انسان است:

عهد عتیق پیشگویی کرده بود که مسیح یک یهودی خواهد بود که در بیت لحم از تبار پادشاهی داوود از قبیله یهودا متولد می شود. اینها پیشگویی های روشن و مفصلی هستند. به این نمونه ها نگاه کنید:

"وقتی روزهای عمرت به سر آید و نزد پدران خود بیارامی، کسی را که از نسل تو و پاره تنت باشد پس از تو بر خواهم افراشت، و سلطنتش را استوار خواهم ساخت. اوست که برای من

خانه ای بنا خواهد کرد، و من تخت پادشاهی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت." (دوم سموئیل باب 7 آیات 12 و 13)

«اما تو ای بیتلحم افراته، گر چه در میان طوایف یهودا کوچکی، از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر اسرائیل فرمانروایی خواهد کرد، طلوع او از قدیم و از ایام ازل بوده است." (میکاه باب 5 آیه 2)

اینها وعده های پسر برجسته داوود است که در بیت لحم متولد می شود. سلیمان جانشین بلافصل داوود بود، اما در بیت لحم به دنیا نیامد. او قطعاً معبدی برای خدا ساخت، اما تاج و تخت او برای همیشه مستقر نشد. علاوه بر این، پیشگویی میکا در مورد تولد مسیح در بیت لحم، حدود دویست یا سیصد سال پس از مرگ داوود نوشته شده است، این زمانی است که مسیحا هنوز نیامده بود. حدود هفتصد سال بعد عیسی در شهر کوچک بیت لحم در چند مایلی اورشلیم در سرزمین یهودا به دنیا آمد.

● عیسی، پسر خدا:

پیشگویی ها بر این مبناست که عیسی نه تنها پسر داوود است، بلکه او پسر خدا نیز بود. این در عهد عتیق به طرق مختلفی توصیف شده است:

"بنابر این خداوند به شما نشانه ای خواهد داد؛ اینک باکره آبستن شده، پسری خواهد زاد و او را عمانوئیل نام خواهد نهاد." (اشعیا باب 7 آیه 14)

"من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود." (اول تواریخ باب 14 آیه 13)

"او مرا ندا در داده، خواهد گفت: تو پدر من هستی، خدای من و صخره نجاتم! من نیز او را فرزند ارشد خویش خواهم ساخت،" (مزامیر باب 89 آیات 26 و 27)

"و حال من حکم او را باز می گویم، خداوند مرا گفته است :
تو پسر من هستی، امروز من تو را مولود ساخته ام." (مزامیر
باب 2آیه 7)

بنابراین مسیح از نسل داوود خواهد بود، اما نه از یک پدر
یهودی! همانطور که عهد جدید بعداً به ما می گوید، او مادری
باکره داشت، اما پدری بشری نداشت.

"این همه رخ داد تا آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، به
حقیقت بپیوندد که: باکره آبستن شده، پسری به دنیا خواهد
آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید، که به معنی خدا با
ماست." (متی باب 1 آیات 22 و 23)

"و در باره پسر اوست، که چون انسانی خاکی از صُلب داوود
به دنیا آمد، و با رستاخیز از میان مردگان، به سبب روح
قدوسیت، به مقام پسر قدرتمند خدا منصوب شد." (رومیان
1آیه 3)

با کمال تعجب، در همان اولین وعده خداوند در کتاب پیدایش
باب 3آیه 15 نجات دهنده موعود را کسی معرفی می کند که از
نطفه زن و نه از ذریت مرد خواهد بود و از یک زن به دنیا
خواهد آمد!

"اما چون زمان مقرر به کمال فرا رسید، خدا پسر خود را
فرستاد که از زنی زاده شد و زیر شریعت به دنیا آمد، تا
آنان را که زیر شریعت بودند بازخیرد کند." (غلاطیان
باب 4آیه 4)

● جلودار:

عیسی مسیح قبل از آغاز مأموریتش شاهد بود که یحیی تعمید
دهنده با موعظه های خود در بیابان، خود را کسی می داند
که راه را برای آمدن مسیح هموار می کند. این را می توان
در پیشگویی های پیامبران پیشین نیز مشاهده نمود:

" صدایی ندا می کند: راه خداوند را در بیابان مهیا سازید و
طریقی برای خدای ما در صحرا هموار کنید. " (اشعیا باب 40 آیه 3)
"خداوند لشکرها می فرماید: اینک من پیام آور خود را می
فرستم، و راه را پیش روی من آماده خواهد کرد. " (ملاکی
باب 3 آیه 1)

یحیی تعمید دهنده با رسالت خویش و پیام هایش دل های هزاران
یهودی را بدست آورد و آنان را آماده توبه و پذیرش مسیحا
کرد. یحیی به آنها گفت که برای آمدن مسیح آماده شوند، و
هنگامی که عیسی به رود اردن رسید، جایی که یحیی مشغول
موعظه و تعمید بود، یکی از شاگردان یوحنا گفت:
" آن کس را که موسی در تورات بدو اشاره کرده بود، و
پیامبران نیز در باره اش نوشته اند، یافته ایم. او عیسی
پسر یوسف از شهر ناصره است. " (یوحنا باب 1 آیه 45)

● پیام عیسی:

پیام شگفت انگیز خداوند عیسی مسیح به عنوان تسلی و شفا
در اذهان مردم عادی آمد و آنها گفتند: "زیرا با اقتدار
تعلیم می داد، نه مانند علمای دین ایشان" (متی باب 7 آیه 29)
مردم از تعلیم او شگفت زده شده بودند! مردم از هر قشر و
طبقه ای، فقیر، غنی، سالم و بیمار نزد او آمدند و با
سخنانش آرامش یافته و شفا گرفته و تسلی یافتند. اینها
دقیقاً همان چیزهایی بود که پیامبران عهد عتیق درباره آنها
پیشگویی کرده بودند:

"روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده
است تا به فقرا بشارت دهم. او مرا فرستاد تا دل شکستگان
را التیام بخشم، تا اسیران را آزادگی و برای زندانیان
رهایی اعلام کنم، تا سال لطف خداوند اعلام کنم و از روز
انتقام خدایمان خبر دهم و همه ماتم زدگان را تسلی
بخشم. " (اشعیا باب 61 آیات 1 و 2)

"خداوندگار یهوه، زبان شاگرد به من بخشیده است تا بدانم چگونه خستگان را به کلام تقویت کنم. او صبح به صبح بیدارم می کند، آری گوش مرا بیدار می کند تا همچون شاگردان بشنوم." (اشعیا باب 50 آیه 4)

جای تعجب نیست که انجیل "خبر خوش" نامیده می شود. مردمی که خود را در مناسک و ظواهر بی روح و مرده مذهبی محبوس کرده بودند و حاکمان دنی آنان را به شدت ترسانده بودند با پیام مسیح در خود جانی دوباره یافتند و بدو امید بستند. درست همانطور که پیامبران وعده داده بودند، مردم اکنون به معانی آن پیشگویی ها که در کتب مقدسشان آمده بود پی برده و آنانی که برای درمان نزد عیسی مسیح می آمدند او را پسر داوود خطاب می کردند. پسری که خدا به داوود وعده داده بود مسیحی آنان بود.

● معجزه ها :

مژده ای که عیسی آورد "بشارت پادشاهی خدا" نامیده شد. او کسی است که در آمدن دوباره خود به عنوان پادشاه بر تخت داوود خواهد نشست. در همین حال، سخنان او حاوی پیامی از پادشاهی خداوند بود که خودش آن را بحق ایجاد می کرد و شاگردانش را به موجب آن برای داشتن سهمی در آن پادشاهی آماده می کرد. معجزات او صرفاً راهی برای جلب توجه به تعلیم او و خودنمایی نبود، آنها گواه زنده ای بودند که او پسر خدا و همچنین پسر داوود بود، و انجام این کارها پیش درآمدی برای اطمینان خاطر مردم و جلب توجه آنان برای آماده شدن و داشتن جایگاهی در دوران پادشاهی خداوند بود: "دست های سست را قوی سازید، زانوان لرزان را استوار گردانید، به دلهای هراسان بگویید: قوی باشید و مهراستید! هان خدای شما می آید؛ او با انتقام و مکافات الهی می آید؛ او خود می آید تا شما را نجات دهد. آنگاه چشمان

نابینایان گشوده خواهد شد، و گوش های ناشنوایان باز خواهد گشت. آنگاه لنگان چون غزال جست و خیز خواهند کرد، و زبان گنگ شادمانه خواهد سرایید، آبها در بیابان سیلان خواهند کرد، و نهرها در صحرا خواهند جوشید. " (اشعیا 35 آیات 3 تا 6)

برخی از مردم او را شناختند و درک کردند: سخنان و معجزات او به آنان ثابت کرد که او همان مسیحای موعود است:

"سپس مردی دیو زده را که کور و لال بود نزدش آوردند و عیسی او را شفا داد، به گونه ای که توانست ببیند و سخن بگوید. پس آن جماعت در شگفت شدند و گفتند: آیا این مرد همان پسر داوود نیست؟! " (متی 12 آیات 22 و 23)

● عیسی مسیح پذیرفته نشد:

عیسی مسیح علیرغم سخنان شگفت انگیز و معجزات دلسوزانه و نیکویی های آشکارش، در لحظات پایانی زندگی خود بر روی این زمین خاکی توسط قوم خود طرد شد. حاکمان به او حسادت و نفرت ورزیدند. مردم عادی ثابت کردند که ثابت رأی و قابل اعتماد نیستند و به راحتی می توان آنان را فریب داد، آنان تحت تأثیر دشمنی بزرگان و حاکمان دینی خود نسبت به عیسی مسیح قرار گرفتند. این مسائل نیز مدتها قبل از آمدن عیسی مسیح پیشگویی شده بود:

"خوار و مردود نزد آدمیان، مردی درد آشنا و رنج دیده، چون کسی که از او روی بگردانند، خوار گشت و به حسابش نیاوردیم. " (اشعیا 53 آیه 3)

"خداوند، که ولی و قدوس اسرائیل است، به او که مورد تحقیر و انزجار قوم، و بنده سلاطین است، چنین می فرماید... " (اشعیا 49 آیه 7)

" پشت خویش را به آنان سپردم که مرا زدند، و رخسار خویش به آنان که ریش مرا کردند، آری از رسوایی و آب دهان، روی خود را نپوشاندم. " (اشعیا 50 آیه 6)

" تو اهانتی که بر من می رود می دانی ، و شرمساری و رسوایی مرا، همه خصمانم در نظر تو هستند، اهانت دل مرا شکسته است، و درمانده گشته ام. انتظار ترحم داشتم و نیافتم، تسلی دهنده ای جستم ولی یافت نشد. " (مزامیر 69 آیات 19 و 20)

● عیسی به صلیب کشیده شد :

عیسی مسیح با مرگش بر روی صلیب اوج زندگی خود را رقم زد. گفته شده است که در دوران پیش از عیسی مسیح جنایتکاران خاصی را پس از کشته شدنشان، بر چوب یا درخت میخکوب می کردند. به نظر می رسد که رومیان با مصلوب نمودن افراد زنده این اعمال وحشیانه را به اوج کمال خود رسانده بودند! اینگونه مجازات در قدیم در میان یهودیان ناشناخته بود. با این حال، می بینیم که هزار سال قبل از تولد عیسی، مصلوب شدن زنده او به وضوح پیشگویی شده بود:

"سگ ها مرا احاطه کرده اند. دسته اوباش گردم حلقه زده اند، دست ها و پاهایم را سوراخ کرده اند! می توانم همه استخوان هایم را بشمارم. آنان خیره بر من چشم دوخته اند. " (مزامیر 22 آیات 16 و 17)

حتی تقسیم کردن لباس او توسط سربازان که عهد جدید آن را توصیف می کند به وضوح توضیح داده شده است:

" جامه هایم را میان خود تقسیم کرده اند و بر تن پوش من قرعه افکنده اند. " (مزامیر 22 آیه 18)

تمسخر، طعنه های گزنده و آب دهان دشمنان بر او و شکیبایی و سکوت و تواضع عیسی مسیح نیز از پیش پیشگویی شده بود:

"اما من کرمی بیش نیستم و انسانی نی! عار آدمیان و تحقیر شده قوم! هر که بر من می نگرد ریشخندم می کند، دهان کج می کنند و سر می جنبانند... " (مزامیر 22 آیات 6 و 7)

" آزار و ستم دید، اما دهان نگشود، همچون بره ای که برای ذبح می برند، و چون گوسفندی که نزد پشم چینش خاموش است، همچنان دهان نگشود." (اشعیا 53 آیه 7)

در کتاب مقدس هیچ کلمه‌ای تلخ‌تر از این کلمات نوشته شده برای توصیف رویدادی که قرار است هزار سال دیگر اتفاق افتد، وجود ندارد! تحقق کامل این پیشگویی‌ها در عیسی مسیح دلیلی قاطع بر مسیحا بودن اوست. این پیشگویی نمی‌توانستند در مورد شخص دیگری بجز عیسی مسیح صدق کنند.

● عیسی نجات دهنده :

در پس این رنج‌ها و سرافکندگی‌های عیسی مسیح هدف بزرگ و ارزشمندی بنام رستگاری بشر پنهان بود. او برای بخشش گناهان ما و نجات ما این همه رنج و عذاب و شرمساری را متحمل شد. نوشته‌های عهد عتیق در این باره نمی‌توانند واضح‌تر از این باشند:

" حال آنکه رنج‌های ما بود که او بر خود گرفت، و دردهای ما بود که او حمل کرد، اما ما او را از جانب خدا مضروب، و از دست او مصدوم و مبتلا پنداشتیم. حال آنکه به سبب نافرمانی‌های ما بدنش سوراخ شد، و به جهت تقصیرهای ما له گشت، تادیبی که ما را سلامتی بخشید بر او آمد، و با زخم‌های او ما شفا می‌یابیم، همه ما چون گوسفندان، گمراه شده بودیم، و هر یک از ما به راه خود رفته بود، اما خداوند تقصیر جمیع ما را بر وی نهاد." (اشعیا 53 آیات 4 تا 6)

این اتفاقات شگفت‌انگیز تصادفی و شانسی نبودند. آنها بخشی از طرح بزرگ خدا بودند که عیسی مسیح درست در مرکز آن قرار داشته و دارد.

● مسیح از عالم مردگان برخاست:

البته، ممکن است در مورد برخی از شواهدی که تاکنون به آنها اشاره شده است، گفته شود که عیسی به سادگی و با طرح

و نقشه قبلی تصمیم گرفت که گفته های عهد عتیق را در مورد خودش اجرا کند و در نتیجه ادعا کند که مسیح زمان او می باشد. به عبارت دیگر، می توان ادعا کرد که عیسی زندگی خود را طوری طراحی کرد که آن را بر اساس پیشگویی های عهد عتیق جلوه دهد. بحث کردن در این باره یک سیاست ناامید کننده بوده که نه تنها یک حلقه مفقوده خواهد داشت، بلکه معجزاتی که عیسی مسیح انجام داد را نمی تواند توجیه کند. علاوه بر این، این نظریه دلیل رد شدن عیسی مسیح توسط مردمش و مصلوب شدن او را که حداقل مستلزم همدستی کسانی است که او را رد کرده اند و همکاری سربازانی که او را مصلوب کرده اند، را توضیح نمی دهد! و

به یقین می توان گفت که این احتمال غیر محتمل ترین احتمال است. در نهایت، چنین استدلالی در پرتو برخاستن عیسی مسیح از عالم مردگان به کلی فرو می ریزد. این معجزه شگفتانگیز کاملاً از دست عیسی مسیح خارج شده بود و علاوه بر این، شاگردان او نیز انتظار آن را نداشتند.

رستاخیز او که در واقع معجزه نهایی او بود و سرآمد همه معجزاتش بود به عنوان یک شگفتی شادی آور برای پیروانش رخ داد. با این حال این رویداد شگفت نیز در عهد عتیق پیشگویی شده بود: "اما من به سوی خداوند چشم می دوزم، و برای خدای نجات خویش انتظار می کشم، خدای من مرا اجابت خواهد کرد. ای دشمن من بر من شادی مکن، زیرا اگر چه بیفتم، برخوام خاست، و اگر چه در تاریکی بنشینم، خداوند نور من خواهد بود." (میکاه 7 آیات 7 و 8)

" زیرا جانم را در هاویه و ناخواهی نهاد، و ناخواهی گذاشت که سرسپرده تو فساد را ببیند. تو راه حیات را به من خواهی آموخت، در حضور تو کمال شادی است، و به دست راست تو لذت های جاودان " (مزامیر باب 16 آیات 10 و 11)

هر کدام از کلمات "روح" و "شئول" کلمات رایج عبری به ترتیب برای "یک شخص" و "قبر" بکار رفته اند. بر اساس این پیشگویی نه تنها قرار بود مسیح از مردگان برخیزد، بلکه بدن او در طول مدتی که در قبر بود به فساد آلوده نمی شد! این شواهد از مزامیر سنگ بنای موعظه رسولان را تشکیل می دهد. این شواهد نمی تواند برای کسی غیر از سرورمان عیسی مسیح اعمال شود. پترس رسول در روز پنتیکاست در مورد آیه 16 از کتاب مزامیر که در بالا نقل شد گفت:

"ای برادران می توانم با اطمینان به شما بگویم که داوود پاتریاک وفات یافت و دفن شد و مقبره اش نیز تا به امروز نزد ما باقیست. اما او نبی نبود و می دانست که خدا برایش سوگند خورده است که کسی را ثمره صُلب او بر تخت سلطنت وی خواهد نشانید. پس آینده را پیشاپیش دیده، در باره رستاخیز مسیح گفت که جان او در هاویه وانهاده نشود و پیکرش نیز فساد نبیند. خدا همین عیسی را برخیزانید و ما همگی شاهد بر آنیم." (اعمال رسولان باب 2 آیات 29 تا 32)

"هادس" معادل یونانی کلمه عبری "شئول" است که هر دو به معنای "قبر" هستند. عیسی در قبر باقی نماند، زیرا خدا پسرش را از عالم مردگان زنده کرد و برخیزانید.

● به آسمان رفتن عیسی مسیح:

پس از چهل روز یا بیشتر، عیسی مسیح که از عالم مردگان برخاسته بود به آسمان عروج کرد. بله، ممکن است حدس زده باشید که این موضوع نیز مدت‌ها پیش در عهد عتیق شناخته شده بود. چگونه می توان یک چنین رویداد فوق العاده ای را پیش بینی نکرد؟ رویدادی که بسیار شگفت انگیز و غیرعادی بود! با این حال، این همان چیزی است که کتاب مقدس می گوید:

" تو راه حیات را به من خواهی آموخت، در حضور تو کمال شادی است، و به دست راست تو لذت های جاودان " (مزامیر 16 آیه 11)

" خداوند به خداوندگار من گفت: به دست راست من بنشین تا آن هنگام که دشمنانت را کرسی زیر پایت سازم." (مزامیر 110 آیه 1)

این گل سر سبد شواهد آورده شده می باشد. این ادله هم مسیر زندگی عیسی مسیح ناصری تا عروجش را که از ابتدا تا انتها در عهد عتیق آمده را کامل می کند، و هم اینکه به یقین این مطلب را که عیسی پسر خداست را ثابت نموده و مهر و موم می کند. در نهایت ثابت می کند که کتاب عهد عتیق کلاماً قابل اعتماد خداست. عیسی مسیح به آسمان صعود کرده و اکنون در دست راست خدا نشسته است. این آخرین مدرکی بود که ثابت می کند عیسی مسیح همان مسیحایی است که خداوند قولش را به ما داده بود.

● شواهدی دیگر نیز وجود دارد:

پرده دیگر این ماجرا از این قرار است که انفجاری بسیار جذاب از ترکیب وعده خداوند و نور و روشنایی حاصل می شود. این از ابتدا بخشی از ایمان مسیحی بوده است. عیسی مسیح به زمین بر خواهد گشت تا بر تخت پادشاهی خداوند جلوس کند و بر عالم حکم براند. این رویداد را نیز می توان در عهد عتیق یافت. ما قبلاً این پیشگویی را خواندیم که عیسی بر دست راست پدرش در آسمان خواهد بود: " خداوند به خداوندگار من گفت: به دست راست من بنشین تا آن هنگام که دشمنانت را کرسی زیر پایت سازم." اما ببینید که بعد از آن چه می شود:

"خداوند عصای اقتدار تو را از صهیون دراز خواهد کرد، در میان دشمنانت فرمانروایی کن" (مزامیر باب 110 آیه 2)
جای تعجب نیست که آیه 1 از باب 110 از کتاب مزامیر بیشترین نقل قول از کل عهد عتیق را به خود اختصاص داده است! ببینید

که چگونه این آیه توسط پترس رسول هنگام صحبت در مورد عیسی مسیح استفاده شد:

"... که باید آسمان پذیرای او می شد تا ایامی که همه چیز بنا بر آنچه خدا از دیرباز به زبان همه پیامبران مقدس خود گفته است ، احیا گردد." (اعمال رسولان باب 3 آیه 21)

عیسی مسیح که به آسمان عروج کرد، همان مسیحایی است که دوباره به زمین باز خواهد گشت تا به عنوان پادشاه پادشاهان و سرور سروران بر روی زمین سلطنت کند. آن که تاجی از خار را بر سرش نهادند، تاج جلال بر سر خواهد گذاشت. او بدون شک به عنوان پادشاه بر تمام زمین سلطنت خواهد کرد. این وعده ها نیز به همان اندازه که پیشگویی ها درباره نخستین آمدنش به طور کامل محقق گردید، محقق خواهد شد.

● چه فرقی می کند؟

باید دید که در پرتو این انوار، جایگاه ما کجاست و ما کجا ایستاده ایم؟ ما در نقطه تقاطع تصمیم هستیم. یک راه این است که ما می توانیم شواهدی را که خوانده ایم بصورت قانع کننده ای بپذیریم و آن را پایه ای محکم و محکم برای ایمانمان بدانیم و یا اینکه راهی دیگر را انتخاب کنیم و بدون اینکه بتوانیم این شواهد را رد کنیم آنها را نپذیریم و از حقایق و زندگی خود در مسیح دور شویم. راه دوم دقیقا همان چیزی است که اکثر یهودیانی که به طرز فاجعه باری در اشتباه بودند و با عیسی معاصر بودند، انتخاب کردند. عیسی به آنها هشدار داد که اگر قوم یهود او را نپذیرند ، ملیت آنان به عنوان سرزمین فلسطین پایان خواهد پذیرفت و پیشگویی کرد که شهر اورشلیم غارت خواهد شد و معبد آنها ویران خواهد شد. این پیشگویی برای آنها باورنکردنی و کاملا غیرقابل تصور بود. با این حال، این اتفاق افتاد. رومی ها شهر را محاصره کردند و سرانجام در سال 70 پس از میلاد بر

آن تسلط یافتند. ویرانی و کشتار وحشتناکی رخ داد. علیرغم دستور فرمانده رومی مبنی بر اینکه نباید به معبد یهودیان تعرضی وارد شود، سربازان او آن را به آتش کشیدند و ویران کردند. باید به یاد داشت که وعده های خداوند همیشه محقق گردیده و محقق خواهد شد.

در حال حاضر ندای انجیل به تمام نقاط کره زمین رسیده است و همه بدان دسترسی دارند. همانطور که در عهد عتیق آمده است، مسیح نوری برای غیریهودیان شده است. این وظیفه ما غیر یهودیان است که به پرسش پیلطس، فرماندار رومی پاسخ دهیم و او را به چالش کشیم: "من با عیسی که خود را مسیحا نامیده است، چه کنم؟" او منجی موعود بشریت و پادشاه آینده است. بدون او برای هیچ یک از ما و انسان های سرتاسر جهان امیدی نیست. چنانکه در کتاب مقدس می خوانیم هنگام تولد عیسی، مردان خردمندی از کشور ایران که غیریهودی بودند به سوی او آمده و به او ایمان آوردند! از آن زمان به بعد نیز مردان و زنان خردمندی به سوی او آمده اند. آیا شما نیز یکی از آنان خواهید بود؟

● پیشگویی هایی که در روزگار ما محقق شد:

عهد عتیق هنوز در حال تحقق است. یکی از بزرگترین شگفتی های قرن بیستم، بازگشت یهودیان به سرزمینی بود که بیش از هزار و نهصد سال قبل از آن پراکنده شده بودند. کتاب مقدس پیشگویی کرده است که آنها باز خواهند گشت، ما با چشمان خود می بینیم که همان گونه که پیشگویی شده بود اتفاق افتاد!

" ای قوم ها کلام خدا را بشنوید، و آن را در سرزمین های دور دست ساحلی اعلام کنید، بگویید: آن که اسرائیل را پراکنده ساخت، ایشان را گرد می آورد، و چنان که شبان گله

خویش را می پاید، او نیز از ایشان مراقبت خواهد کرد." (ارمیا باب 31 آیه 10)

" خداوند می فرماید ایامی می آید که سعادت را به قوم خود اسرائیل و یهودا باز خواهم گردانید و ایشان را به سرزمینی که به پدرانشان بخشیدم ، باز خواهم آورد تا آن را به تصرف آورند، این است فرموده خداوند" (ارمیا باب 30 آیه 3)

این پیشگویی ها به همان اندازه که درباره مسیح روشن و گویا هستند در این مورد نیز صدق می کنند. همه ما شاهد این حقیقت هستیم که همه یهودیان به عنوان یک ملت در حال جمع گردیدن در سرزمین خود هستند. کتاب مقدس بخوبی آن را پیشگویی کرده است و اکنون می بینیم که خداوند در حال عملی کردن این وعده خود می باشد. بنابراین، کاملاً مسلم است که مسیح باز خواهد گشت تا پادشاه روی زمین شود. به آنچه در این باره در عهد عتیق وعده داده است توجه کنید:

"زیرا که برای ما کودکی زاده و پسری به ما بخشیده شد، سلطنت بر دوش او خواهد بود و او مشاور شگفت انگیز و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور صلح خوانده خواهد شد. افزونی فرمانروایی و صلح او را پایانی نخواهد بود، و او بر تخت داوود و قلمروی او فرمانروایی خواهد کرد، و آن را به انصاف و عدالت ، از حال تا به ابد، استوار خواهد ساخت و پایدار نگاه خواهد داشت. غیرت خداوند لشکرها این را به انجام خواهد رسانید." (اشعیا باب 9 آیات 6 و 7)

● سرانجام ...

آیا وقتی پادشاه بیاید آماده خواهید بود؟ مردان و زنان خردمند این کار را خواهند کرد. سرورمان می آید تا بر سرتاسر زمین سلطنت کند. او به همه کسانی که به این مراتب عالی ایمان آورده اند و تعمید یافته اند و صادقانه منتظر او هستند، زندگی جاودانی خواهد بخشید.

"هنگامی که پسر انسان با شکوه و جلال خود به همراه همه فرشتگان بیاید، بر تخت پر شکوه خود خواهد نشست و همه قوم ها در برابر او حاضر خواهند شد و او همچون شبانی که گوسفندان را از بزها جدا می کند، مردمان را به دو گروه تقسیم خواهد کرد، گوسفندان را در سمت راست و بزها را در سمت چپ خود قرار خواهد داد. سپس به آنان که در سمت راست او هستند خواهد گفت بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من، و پادشاهی ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود." (متی باب 25 آیات 31 تا 34)

بدون تردید این خبر خوش ارزش ایمان داشتن به آن را داشته و حقایقی روشن و غیر قابل تردید می باشند.